

باور غلط

گفت‌وگو با مریم مهران‌راد،

هنرآموز هنرستان‌های کاردانش تهران

نصرالله دادار

با وی گفت‌وگویی داشته‌ام که گزارش آن در ادامه از نظر شما می‌گذرد:

● اولین بار با شما در همایش توسعه و عدالت آموزشی آشنا شدم. بعد از آن در همایش‌های دیگری هم شرکت کرده‌اید؟

○ بله. در کنفرانس الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت و همایش ملی اقتصاد آموزش و پرورش با رویکرد اقتصاد مقاومتی.

● در این همایش‌ها، مقاله هم ارائه کردید؟

○ بله. در کنفرانس الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، مقاله‌ای با عنوان: «راهکار عملی اقتصاد مقاومتی در آموزش و پرورش با الگوبرداری از اقتصاد علوی»، و در همایش ملی اقتصاد آموزش و پرورش، مقاله‌ای با عنوان: «راهکار اقتصاد مقاومتی از آموزش و پرورش می‌گذرد» ارائه کرده‌ام.

● به نظر می‌رسد شما جایگاه ویژه‌ای برای وزارت آموزش و پرورش در توسعه اقتصادی کشور قائلید. ممکن است دیدگاه خود را در این زمینه توضیح دهید؟

○ من معتقدم مسئولان بلندپایه کشور به جای اینکه برای تأمین مالی و بودجه چشمشان به وزارت نفت باشد، باید چشمشان به وزارت آموزش و پرورش باشد. به نظر من، آموزش و پرورش نقش ویژه‌ای در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور دارد. نگاه ما نسبت به آموزش و پرورش کشور باید



اشاره

خانم مریم مهران‌راد، هنرآموز معماری در هنرستان‌های کاردانش تهران، با ۱۲ سال سابقه آموزشی است. با او در همایش «توسعه و عدالت آموزشی» آشنا شدم. دیدگاه‌هایش نسبت به مسائل آموزش و پرورش برایم جالب بود.

وی معتقد بود که آموزش و پرورش می‌تواند خلاق‌ترین، کم‌ادع‌ترین و پرجنب‌وجوش‌ترین نیروها را در اختیار بخش اقتصادی کشور قرار دهد، در حالی که متأسفانه بیشتر به این فکر بوده است که دانش‌آموزان را به سمت دانشگاه سوق دهد. در جامعه ما به غلط، به دانش‌آموزان القا شده است که اگر کار خوب می‌خواهید، باید به دانشگاه بروید و ...

متحول شود. ما طی سالیان درازی تلاش کرده‌ایم که دانش‌آموزان را به سمت دانشگاه سوق دهیم، در صورتی که جامعه به نیروی کار و مولد نیاز دارد. جوانی که به دانشگاه رفت و لیسانس و فوق‌لیسانس گرفت، دیگر به هر کاری قانع نمی‌شود و بیشتر دنبال کارهای پشت میزنشینی است. در صورتی که توسعه کشور به نیروی ماهر، کارآفرین و کارگر نیاز دارد.

ما حتی از دوران ۲۵ سال سکوت حضرت علی (ع) نیز برداشت غلط کرده‌ایم. همیشه گفته‌ایم امیرالمؤمنین (ع) ۲۵ سال خانه‌نشین بود. در صورتی که ایشان خانه‌نشین نبود و روزها می‌رفتند سر زمین و آن را برای کشت آماده می‌کردند؛ و یا در آن درخت نخل می‌کاشتند و بعد آن زمین احیا شده را وقف می‌کردند. اتفاقاً زمین را به کسی واگذار نمی‌کرد که برود و کاربری‌اش را تغییر دهد. شیعیان عراق و مدینه هنوز هم از آن زمین‌ها، خرما تولید می‌کنند و روزی خود را می‌گذرانند و در این شرایط سخت اقتصادی، گذران زندگی می‌کنند.

ببینید ما در همه کتاب‌های درسی بر علم آموزی تأکید می‌کنیم، ولی در هیچ‌یک از کتاب‌های درسی، خطاب خداوند را به حضرت داوود (ع) نیاورده‌ایم. خداوند به حضرت داوود (ع) می‌فرماید: ای داوود تو بهترین بنده من هستی و فقط یک ایراد داری. ایراد تو این است که از بودجه دولتی ارتزاق می‌کنی. تو برو مهارتی یاد بگیر و از آن طریق امرار معاش کن. بعد حضرت داوود (ع) می‌رود و مهارت ساخت زره را می‌آموزد و از آن طریق ارتزاق می‌کند. متأسفانه ما در کتاب‌های درسی مان به اهمیت کارهای تولیدی اشاره نمی‌کنیم. در کتاب‌های درسی فقط به ارزش علم، عالم و دانشمند اشاره کرده‌ایم. به جوانان نگفته‌ایم که پیغمبر دست کارگر را می‌بوسید.

● با این نگاه، نظر شما درباره رشته‌هایی که در حال حاضر در هنرستان‌های کار دانش آموزش داده می‌شود، چیست؟

○ به نظر من برخی از رشته‌های کار دانش، مانند کشاورزی، صنایع چوب و ... خوب و مناسب هستند و بازار کار دارند. ولی برخی از رشته‌ها مورد نیاز کشور نیستند. الان حدود ۷۰ درصد بچه‌های کار دانش در رشته‌هایی مانند حسابداری، رایانه، معماری و ... درس می‌خوانند که بازار کار کمی دارد. من خودم خیلی از اوقات دچار عذاب وجدان

می‌شوم که بچه‌های همین رشته معماری که من آن را تدریس می‌کنم، فردا چگونه می‌توانند با این روش وارد بازار کار شوند! آیا اساساً این رشته یک رشته مهارتی است یا نه؟ سؤال من این است که کدام یک از این رشته‌ها مهارتی است؟ در همه جای دنیا وقتی از مهارت صحبت می‌شود، مربوط به رشته‌هایی است که کار آن‌ها دستی یا یدی است.

به نظر من باید در مورد برخی از رشته‌های کار دانش تجدیدنظر شود و رشته‌های جدید که بازار کار دارند، مانند طراحی کفش را جایگزین آن‌ها کرد. الان کشور به شدت نیازمند آموزش رشته‌هایی مانند بسته‌بندی، طراحی کفش و ... است.

● روش آموزش شما در هنرستان چگونه است؟

○ من در کلاس خودم، سعی می‌کنم از جدیدترین روش‌ها استفاده کنم. گاهی هنرجویان گله می‌کنند و شکایت دارند که شاید هم گلایه‌های آن‌ها درست باشد. آن‌ها می‌گویند ما به هنرستان آمده‌ایم که کار مهارتی یاد بگیریم و نیامده‌ایم که دوباره این قدر درس بخوانیم. اگر می‌خواستیم این همه درس بخوانیم، به رشته ریاضی یا انسانی یا مانند آن‌ها می‌رفتیم. ولی من هنرآموز نمی‌توانم درس‌های رشته‌ای را که تدریس می‌کنم، حذف کنم و کار دیگری انجام دهم.

من مجبور هستم از قوانین تبعیت کنم و کتاب‌های درسی را درس بدهم. اتفاقاً این کار را هم خیلی جدی انجام می‌دهم. ولی در درس‌های عملی مانند «توکد»، سعی می‌کنم ارتباطی با صنعت یا دستگاه‌های اجرایی برقرار کنم و بچه‌ها را با آن‌ها مرتبط سازم. برای مثال، وقتی قرار است بچه‌ها نقشه تهیه کنند، از آن‌ها می‌خواهم که برای نمونه با «دفتر نوسازی بافت‌های فرسوده» تماس بگیرند و از آنجا نقشه بگیرند و ویرایش کنند. رابطه‌ای که بچه‌ها با این دستگاه‌ها برقرار می‌کنند، به حس خود باوری‌شان خیلی کمک می‌کند.

● ارزیابی شما از عملکرد آموزش‌های کار دانش در نظام آموزشی کشور چیست؟

○ اینکه ما بگوییم فارغ‌التحصیلان کار دانش موفق بوده‌اند یا ناموفق بحث غلطی است. هر قدر که فارغ‌التحصیلان کار دانش ما توانسته باشند براساس نوع رشته و کارشان با بازار کار ارتباط بهتری برقرار

آموزش و پرورش
ما بیشتر به این
فکر بوده‌است که
دانش‌آموزان را به
سمت دانشگاه سوق
دهد

طراحی بدلیجات در آموزش‌های کار دانش خالی است.

● یعنی آموزش هنرستان‌ها به روز نیست؟

○ نه. بچه‌های ما هنوز در هنرستان‌ها با کاتر و چوب‌پنبه برش می‌زنند. در صورتی که می‌توان از فناوری‌های جدید برای انجام این کارها استفاده کرد. من خودم پیشنهاد کردم که برش لیزری را در اتوکد به بچه‌ها یاد بدهم.

● چرا آموزش هنرستان‌ها به روز نیست؟

○ نمی‌دانم. برای کشف علت آن، باید مطالعه شود.

● امکانات هنرستان‌ها کم است؟

○ نه، اتفاقاً امکانات هست. انصافاً امکانات و پولی که دولت در مدارس فنی‌و حرفه‌ای و کار دانش هزینه می‌کند، قابل توجه است.

● چرا با توجه به امکاناتی که برای هنرستان‌ها

فراهم می‌شود، آموزش در هنرستان‌ها ضعیف است؟

○ یکی از عوامل ضعف آموزش در هنرستان‌ها،



کنند، موفق‌ترند؛ مانند رشته‌های کشاورزی یا سفال. الان نام رشته سفال، کاشی هفت‌رنگ شده است.

اگر همین کاشی هفت‌رنگ ما بیاید با کارخانه‌های چینی‌سازی ارتباط برقرار کند، می‌تواند کارهای موفق‌تری انجام دهد.

نقطه ضعف کار دانش ما این است که رابطه قوی با دنیای صنعت ندارد. ما فکر می‌کنیم دانش‌آموزی تربیت کرده‌ایم که بازار کار او را می‌پذیرد، ولی واقعیت این نیست. تنها چند رشته کار دانش است که موفقیت داشته‌اند و آن هم به خاطر ارتباطی است که با بازار کار داشته‌اند. نقطه ضعف دیگر کار دانش، نداشتن بازاریاب است.

● منظور شما این است که مدیران هنرستان‌ها باید بازاریابی کنند؟

○ نه، مدیر مدرسه نباید این کار را بکند. بنده معتقدم مسئولان بالاتر مانند مسئول گروه کار دانش هر شهرستان یا استان باید بازاریابی بدانند و بازاریابی کنند تا بدانند نیاز کشور به آموزش چه رشته‌هایی است. مسئول باید بازاریابی بداند و بتواند با وزارت‌خانه‌ها و صنایع کشور ارتباط بگیرد. آموزش و پرورش باید از این حالت که مسئولانش مثل هم عمل می‌کنند، خارج شود.

● شما یک طرف مسئله را مطرح می‌کنید و می‌گویید بازاریابی صورت نمی‌گیرد، ولی آن طرف مسئله را نمی‌گویید که بچه‌های ما مهارت ندارند.

○ این موضوع هم به خود ما برمی‌گردد. منظورم مسئولان آموزش و پرورش است. ما آمده‌ایم مهندسی را جذب کرده‌ایم و به او گفته‌ایم بیا کارگر تربیت کن؛ بدون آنکه او را در جریان خواسته‌ها و نیاز بازار قرار دهیم. این هم یکی از نقاط ضعف آموزش‌های فنی‌و حرفه‌ای و کار دانش است. شما برنامه درسی دانشگاه، مثلاً در رشته رایانه را نگاه کنید و برنامه درسی هنرستان‌ها را هم در همین رشته ببینید. اصلاً شباهتی به هم ندارند.

شما به یک شرکت مراجعه کنید و ببینید آیا کسی حاضر است دیپلم طراحی وب یا دیپلم برنامه‌نویسی ما را استخدام کند؟ اصلاً این رشته‌ها با فنی‌و حرفه‌ای و کار دانش سنخیتی ندارند؛ خصوصاً با کار دانش. ولی جای نرم‌افزارهای دیگری مانند طراحی کفش،

در جامعه ما به غلط به دانش‌آموزان القا شده است که اگر کار خوب می‌خواهید، باید به دانشگاه بروید

نقطه ضعف کار دانش این است که با دنیای صنعت رابطه قوی ندارد

یکی از مشکلات جامعه ما، طرز فکر خانواده‌هاست که بچه‌ها را به زور می‌فرستند در رشته‌هایی ادامه تحصیل دهند که به آن علاقه ندارند

حدود ۷۰ درصد بچه‌های کار دانش در رشته‌هایی مانند حسابداری، رایانه، معماری و... درس می‌خوانند که بازار کار ندارند. در صورتی که جای برخی رشته‌ها مانند صنایع بسته‌بندی، صنایع تبدیلی و... در هنرستان‌ها خالی است.

آموزش ضمن خدمت ما ضعیف است و به روز نیست

در هنرستان‌های کار دانش، رشته‌هایی مثل خیاطی را کسانی درس می‌دهند که خودشان خیاطی بلد هستند، نه اینکه الزاماً لیسانس خیاطی یا طراحی دوخت داشته باشند. به همین دلیل وقتی به نمایشگاه‌ها هم می‌رویم، بچه‌های خیاطی بهتر عرض اندام می‌کنند.

یکی دیگر از مشکلات ما هم طرز فکر خانواده‌هاست که بچه‌ها را به زور می‌فرستند در رشته‌هایی ادامه تحصیل دهند که به آن علاقه ندارند. من دانش‌آموزی داشتم که هم از نظر اخلاقی خوب بود و هم معدل بالایی (حدود ۱۷) داشت. او اول سال آمده بود و به من می‌گفت: «خانم من دوست دارم بروم رشته خیاطی، ولی به اصرار مادرم به رشته نظری رفتم.» به نظر شما این کار درست است؟

اتفاقاً طرز فکر او هم درست بود و می‌گفت اگر من دیپلم خیاطی‌ام را بگیرم، دو سال دیگر می‌توانم در گوشه خانه، مزون بزنم. ولی شما قول می‌دهید که من بعد از دو سال دیگر که ریاضی خواندم سر کار بروم؟ یعنی چون رشته ریاضی اسم و رسم دارد، خانواده فشار می‌آورد که به این رشته برود.

مشکل دیگر اینکه در همه جای دنیا بچه‌هایی را که از نظر اقتصادی ضعیف هستند، به سمت رشته‌های کار دانش هدایت می‌کنند تا زودتر وارد بازار کار شوند و درآمد کسب کنند. ما در اینجا بچه‌هایی را که از نظر اخلاقی و درسی ضعیف هستند، به سمت رشته‌های کار دانش هدایت می‌کنیم!

● فکر نمی‌کنید یک تحول بنیادین در رشته‌های فنی و حرفه‌ای و کار دانش باید صورت گیرد؟ به نظر شما چه رشته‌هایی را باید به فنی و حرفه‌ای و کار دانش اضافه کرد و کدام یک از رشته‌های فعلی را باید حذف کرد؟
○ پاسخ به این سؤال در حیطه وظایف من نیست. من می‌گویم اگر ما بخواهیم یک کار دانش موفق مثل کشور چین داشته باشیم، دقیقاً باید مثل خود چین عمل کنیم. یعنی اول مطالعه‌ای درباره بازار و بازاربایی داشته باشیم و بعد رشته‌ها را انتخاب کنیم. رشته‌های فنی و حرفه‌ای و کار دانش باید براساس نیازهای بازار انتخاب شوند.
شما حتماً خبر دارید که سالانه حدود ۵۰۰ میلیارد تومان وسایل سوغاتی از چین وارد مشهد می‌شود. به نظر شما نمی‌توانیم این نوع سوغات‌ها را در هنرستان‌ها تولید کنیم؟ وسایلی مانند مهره تسبیح،

کلاس‌های ضمن خدمت هنرآموزان است. من معتقدم آموزش ضمن خدمت ما هنرآموزان، نباید به وسیله کسی که مثل خود ما معلم است، برگزار شود. آموزش ضمن خدمت معلمان هنرستان‌ها را باید یک صنعتگر برگزار کند تا من بفهمم که بازار از من چه می‌خواهد. من الان هیچ چیز از بازار نمی‌دانم. آموزش ضمن خدمت ما معمولاً توسط کسانی برگزار می‌شود که مدرک فوق لیسانس دارند. ولی من معتقدم چون ما در حال تربیت کارگر هستیم، باید کسانی آموزش ضمن خدمت را برگزار کنند که خودشان دستی بر آتش داشته باشند و کار و کارگری را بشناسند. کارگر را باید کارگر تربیت کند. چرا شفاف صحبت نمی‌کنیم و رودربایستی داریم؟ چرا مطرح نمی‌کنیم که بچه‌های کار دانش می‌خواهند کارگران آینده شوند؟

روزی یکی از دوستان که کار آموزشی می‌کند و به دنبال طراحی یک مجموعه قطعه از سفال بود، از من خواست که با او به همدان بروم. یک مهندس طراح هم همراه ما بود. بچه‌هایی که آنجا دست به گل بودند، خیلی بهتر موضوع را فهمیدند تا این مهندسی که با ما بود.



لباس‌های مشکلی و ... شاید یکی از مشکلات هم این است که برخی از ما در مسائل بازرگانی و تجارت دید روشنی نداریم.

● **دانش‌آموزان برای ورود به رشته‌های فنی و حرفه‌ای یا کاردانش چقدر علاقه نشان می‌دهند؟ به نظر شما آیا آن‌ها به اجبار وارد این رشته‌ها می‌شوند یا با علاقه؟**

○ به این سؤال پاسخ قاطعی نمی‌توان داد. من خودم یک بار بین دختران رشته‌های تجربی و ریاضی نظرسنجی کردم. سؤال اولم این بود که آیا شما حاضرید در رشته‌های کاردانش ادامه تحصیل دهید. پاسخ آن‌ها به این سؤال منفی بود. در سؤال دوم از آن‌ها پرسیده بودم: اگر رفتن شما به رشته‌های کاردانش موجب شود که زودتر به استقلال اقتصادی برسید، علاقه دارید که به این رشته‌ها بروید؟ پاسخ اکثر آن‌ها به این سؤال مثبت بود.

طبق گزارش مدیران مدارس، استقبال از رشته‌هایی مانند تعمیرات آسانسور یا PVC و ... بین دانش‌آموزان خیلی خوب است و بچه‌های خوبی هم وارد این رشته‌ها می‌شوند. ولی استقبال از رشته‌هایی که با صنعت و بازار ارتباط ندارند، بسیار ضعیف است.

● **اگر شما به جای وزیر آموزش و پرورش بودید، چه می‌کردید؟**

○ شاید من هم با موانعی که سر راه است، همین کارهایی که ایشان انجام می‌دهند، می‌کردم. ولی اگر امکان داشت، اولین کاری که می‌کردم یک آمارگیری دقیقی بود تا نیازهای کشور را شناسایی کنم. متأسفانه در کشور ما آمار خیلی اهمیت ندارد. در صورتی که آمار و اطلاعات صحیح پایه همه برنامه‌ریزی‌هاست. من معتقدم تعیین رشته‌های کاردانش در هنرستان‌ها باید به خود مناطق سپرده شود تا آن‌ها بر اساس نیاز، بازاریابی و دلایل علمی، برای هنرستان‌های مناطق خود رشته انتخاب کنند. در این صورت رشته‌هایی آموزش داده می‌شوند که اولاً به آن‌ها نیاز است و ثانیاً بازار کار دارند.

بازاریابی هم روش منطقی دارد که باید رعایت شود. متأسفانه چون ما پشتوانه نفت داریم، خیلی به این موضوع دقت نمی‌کنیم. یعنی مجبور نشده‌ایم برای این قبیل موارد راه‌حل پیدا کنیم.

الان ده، پانزده سال است که ما رشته‌هایی را در هنرستان‌ها آموزش می‌دهیم که بازار کار زیادی

لباس‌های مشکلی و ... شاید یکی از مشکلات هم این است که برخی از ما در مسائل بازرگانی و تجارت دید روشنی نداریم.

● **دانش‌آموزان برای ورود به رشته‌های فنی و حرفه‌ای یا کاردانش چقدر علاقه نشان می‌دهند؟ به نظر شما آیا آن‌ها به اجبار وارد این رشته‌ها می‌شوند یا با علاقه؟**

○ به این سؤال پاسخ قاطعی نمی‌توان داد. من خودم یک بار بین دختران رشته‌های تجربی و ریاضی نظرسنجی کردم. سؤال اولم این بود که آیا شما حاضرید در رشته‌های کاردانش ادامه تحصیل دهید. پاسخ آن‌ها به این سؤال منفی بود. در سؤال دوم از آن‌ها پرسیده بودم: اگر رفتن شما به رشته‌های کاردانش موجب شود که زودتر به استقلال اقتصادی برسید، علاقه دارید که به این رشته‌ها بروید؟ پاسخ اکثر آن‌ها به این سؤال مثبت بود.

طبق گزارش مدیران مدارس، استقبال از رشته‌هایی مانند تعمیرات آسانسور یا PVC و ... بین دانش‌آموزان خیلی خوب است و بچه‌های خوبی هم وارد این رشته‌ها می‌شوند. ولی استقبال از رشته‌هایی که با صنعت و بازار ارتباط ندارند، بسیار ضعیف است.

● **اگر شما به جای وزیر آموزش و پرورش بودید، چه می‌کردید؟**

○ شاید من هم با موانعی که سر راه است، همین کارهایی که ایشان انجام می‌دهند، می‌کردم. ولی اگر امکان داشت، اولین کاری که می‌کردم یک آمارگیری دقیقی بود تا نیازهای کشور را شناسایی کنم. متأسفانه در کشور ما آمار خیلی اهمیت ندارد. در صورتی که آمار و اطلاعات صحیح پایه همه برنامه‌ریزی‌هاست. من معتقدم تعیین رشته‌های کاردانش در هنرستان‌ها باید به خود مناطق سپرده شود تا آن‌ها بر اساس نیاز، بازاریابی و دلایل علمی، برای هنرستان‌های مناطق خود رشته انتخاب کنند. در این صورت رشته‌هایی آموزش داده می‌شوند که اولاً به آن‌ها نیاز است و ثانیاً بازار کار دارند.

بازاریابی هم روش منطقی دارد که باید رعایت شود. متأسفانه چون ما پشتوانه نفت داریم، خیلی به این موضوع دقت نمی‌کنیم. یعنی مجبور نشده‌ایم برای این قبیل موارد راه‌حل پیدا کنیم.

الان ده، پانزده سال است که ما رشته‌هایی را در هنرستان‌ها آموزش می‌دهیم که بازار کار زیادی

آموزش در هنرستان‌های کاردانش، هنگام درس دادن دانش‌محور است، در صورتی که هنگام امتحان مهارت‌محور است